

رئیس کل بانک مرکزی در نشست نظارتی مجلس

تأمین مالی ارزی ۱۰ میلیارددلاری در سال جاری



رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای تسهیل سرمایه‌گذاری در بخش تولید در سال جاری، از برنامه مهم این بانک برای تأمین مالی ۱۰ میلیارددلاری برای ۱۴ طرح بزرگ اقتصادی پیشران کشور خبر داد و گفت: علاوه‌براین، بانک مرکزی امسال سپرده‌گذاری دو میلیارددلاری در بانک‌های داخلی برای تأمین مالی ۲۰ طرح مهم اقتصادی کشور را در دستور کار دارد. همچنین فروش دو میلیارد یورو اوراق گواهی ارزی از طریق مرکز مبادله نیز برای تأمین مالی پروژه‌های اولویت‌دار از دیگر برنامه‌های این بانک در راستای تحقق شعار سال است.

به گزارش روابطعمومی بانک مرکزی، دکتر محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، در نشست علنی روز سه‌شنبه، ۳۰ اردیبهشت‌ماه مجلس شورای اسلامی درباره گزارش مشترک کمیسیون‌های حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و اقتصادی درمورد روند اجرای قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها و ضرورت‌های تحقق شعار سال در اجرای تبصره (۱) ماده (۴۵) آیین‌نامه داخلی مجلس گفت: ما نقشه راه بسیار خوبی داریم تا اینکه بتوانیم بحث تأمین مالی را در کشور به صورت منسجم در دولت پیگیری کنیم؛ چون از لحاظ ساختاری بحث تأمین مالی در دولت همچنین در دستگاه‌های مختلف دارای وظایفی است که باید بتوانیم سیاست‌ها را هماهنگ کنیم.

او با اشاره به نام‌گذاری سال جاری به‌عنوان سرمایه‌گذاری برای تولید، درباره اقدامات انجام‌شده در این حوزه گفت: اولین موضوع بحث تقویت تأمین مالی ریالی در بانک مرکزی است، بنابراین باید به گونه‌ای باشد که منجر به افزایش تورم نشود و رشد غیرتورمی را داشته باشیم. تمرکز ما در بانک مرکزی روی موضوعاتی است که منجر به افزایش تورم نشود و آن تأمین مالی زنجیره‌ای و تأمین مالی زیر خطی است که ما در سال جاری نزدیک به ۴۸۵ همت تأمین مالیی زنجیره‌ای پیش‌بینی کرده‌ایم که ۲۲۰ همت آن اوراق کام، ۱۱۵ همت کارت رفاهی، صد همت برات الکترونیکی و ۵۰ همت فرتوکنبرگ بوده است.

رئیس کل بانک مرکزی افزود: سال گذشته به دلیل مشکلاتی که داشتیم، درباره اوراق کام وضعیت خوب نبود اما در سال جاری تلاش ما بر این است که بتوانیم کام‌های مهمی دراین‌باره برداریم. یکی دیگر از این اقدامات کارت‌های رفاهی متصل به اوراق کام است که به صورت آزمایشی در بانک رفاه اقدامات آن انجام خواهد شد تا ۱۱۵ همت تأمین مالیی خرید برای ارزی‌کردن کالاها توسط مردم صورت گیرد که سود آنها بسیار پایین بوده و تلاش ما بر این است که با همکاری کمیسیون اصل ۹۰ بتوانیم در کنار وام ازدواج از کارت‌های رفاهی نیز استفاده کنیم.

فرزین بیان کرد: ما این ترکیب سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌ر ا باید رعایت کنیم درحالی‌که تقریباً نزدیک به ۶۷ درصد تسهیلاتی داریم که گردش سریع در گردش است و این سرمایه بر روی رشد تأثیرگذار است؛ چراکه بسیاری از کارخانجات اگر سرمایه در گردش آنها تأمین نشود، امکان تحقق رشد برای آنها وجود نخواهد داشت. بنابراین برای ایجاد کارخانجات نزدیک به هزار و ۵۰۰ همت تسهیلات دیده‌ایم که ۳۳۰ همت از طریق انتشار گواهی سپرده خاص برای پروژه‌های معرفی‌شده از سوی دستگاه‌های اجرایی صورت خواهد گرفت که شامل ۲۵۰ همت اوراق کام، ۱۱۵ همت کارت رفاهی، صد همت نیز برای سایر طرح‌ها اختصاص خواهد یافت.

او افزود: برنامه امسال ما این است که ۱۰ میلیارد دلار تأمین مالی ارزی داشته باشیم، به این معنا که بتوانیم از منابع ارزی تأمین مالی داشته باشیم که تأمین مالی ۱۴ طرح در حال انجام است. تلاش ما بر این است که موضوعات را پیگیری کنیم. همچنین کار دیگری که در بانک مرکزی انجام داده‌ایم، بحث سپرده‌گذاری دو میلیارددلاری بانک مرکزی در بانک‌های داخلی است تا بتوانیم از این طریق اقدامات مؤثری را انجام دهیم.

دکتر فرزین تصریح کرد: دراین‌باره تأمین مالی ۲۰ طرح پیشران با درصد پیشرفت فیزیکی بالا با منابع ارزی بانک مرکزی از طریق بانک‌های عامل در جریان است.

او افزود: از سال گذشته انتشار اوراق گواهی ارزی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران در دستور کار قرار دارد و ۱۵۰ میلیون یورو گواهی ارزی برای تأمین مالی بیدلند از این طریق به فروش رسید. همچنین برای این طرح در سال جاری از طریق فروش اوراق گواهی ارزی ۵۰ میلیون یورو با سود شش درصد تأمین مالی انجام شد.

رئیس کل بانک مرکزی گفت: امروز نیز برای فروش و انتشار اوراق گواهی ارزی به مبلغ ۲۰۰ میلیون یورو برای اوراق فولاد مبارکه در مرکز مبادله ارز و طلای ایران انجام شد. تاکنون معادل ۱٫۶ میلیارد یورو طرح برای انتشار اوراق و تأمین مالی ارزی به ما معرفی شده است که در حال بررسی است. برنامه ما نیز این است که تا پایان سال دو میلیارد یورو از این اوراق را برای تأمین مالی ارزی به فروش برسانیم.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: اگر بتوانیم در خارج از کشور منابع جدیدی را از طریق سرمایه‌گذاری برای کشور داشته باشیم، بسیار مؤثر خواهد بود. البته در مسئله انتقال پول سرمایه‌گذاران خارجی به داخل کشور مشکلاتی داریم که این مسئله در حال پیگیری است تا بتوانیم این مشکل را سریعاً حل کنیم. به همین منظور دفتری را در مرکز مبادله راه‌اندازی کرده‌ایم تا مشکلات انتقال ارز به کشور مرتفع شود.

فرزین به مسئله رمزارزها نیز اشاره کرد و گفت: مقررات دراین‌باره با هماهنگی دولت تنظیم شده و تلاش خواهیم کرد که اقدامات نظارتی مناسبی در این‌مورد انجام نشود تا منجر به خروج سرمایه نشود. ما در بانک مرکزی تمام تلاش خود را برای تقویت تأمین مالی انجام خواهیم داد و دراین‌باره سامانه‌های جدیدی را راه‌اندازی خواهیم کرد.

روایتی از امید، تلاش و پتانسیل های نهفته در شهرهای کوچک

باز آفرینی اقتصاد محلی؛ چگونه کسب وکارهای کوچک می‌توانند قلب پنبنده ایران شوند

رحمت‌الله دریجانی: «کار که به عشق گره خورود، چون جویباری است که خاک را زنده کند». این جمله زیبا در کوچه‌های خاکی گنبد طین‌انداز است، جایی که زنی ترکمن با دست‌های یبنه‌بسته گلیمی می‌بافد که نقش‌هایش قصه قرن‌ها فرهنگ را زمزمه می‌کند. در بم، باغداری زیر سایه نخل‌ها خرمایی می‌پروrand که طعمش می‌تواند جهانیان را مسحور کند. در رامسر، زنی با چند اتاق ساده، اقامتگاهی بوم‌گردی ساخته که مسافران را به قلب طبیعت دعوت می‌کند. اینها نه‌فقط کسب‌وکارهای کوچک، بلکه نبض زندگی شهرهای ایران‌اند، نبضی که اگر تقویت شود، می‌تواند اقتصاد ملی را از رخت به پویایی برساند. پیش‌تر، گرایش به دارایی‌های غیرمولد مانند ملک و خودرو به‌عنوان مانعی برای تولید بررسی شد (اقتصاد غیرمولد، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴). اما چگونه می‌توان سرمایه‌ها و استعدادهای پراکنده در شهرهای کوچک را به جریان انداخت؟ چگونه کسب‌وکارهای محلی می‌توانند قلب پنبنده اقتصاد ایران شوند؟ این نوشتار، روایتی است از پتانسیل‌های نهفته در گوشه‌وکار این سرزمین؛ تاملی بر ریشه‌های خاموشی اقتصاد محلی و راه‌های برافرختن دوباره آن.

چرا اقتصاد محلی خاموش ماند؟

اقتصاد محلی ایران با وجود غنای فرهنگی، منابع طبیعی و نیروی انسانی، زیر سایه چالش‌هایی سنگین کم‌فروغ شده است. نخست، تمرکزگرایی اقتصادی است. گزارش‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهند که ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی کشور در تهران و چند کلان‌شهر متمرکز است، درحالی‌که شهرهای کوچک و مناطق روستایی کمتر از ۲۰ درصد سهم دارند. این شکاف، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای محلی، از گلیم‌بافی سیستان تا زعفران تربت‌حیدریه را به حاشیه رانده است. دوم، کمبود منابع مالی است. کاسب‌های کوچک در شهرهایی مانند اردبیل یا بوشهر اغلب به وام‌های کم‌بهره، بازارهای فروش یا حتی مشاوره کسب‌وکار دسترسی ندارند. گزارش‌های اتاق بازرگانی ایران در سال ۱۴۰۳ حاکی از آن است که تنها هشت درصد تسهیلات بانکی به کسب‌وکارهای کوچک در مناطق غیر کلان‌شهری اختصاص یافته، درحالی‌که این کسب‌وکارها می‌توانند اشتغال پایدار ایجاد کنند. سوم، ضعف فناوری و بازاریابی است. در دنیایی که پلتفرم‌های دیجیتال مانند Etsy صنایع دستی را به بازارهای جهانی رسانده‌اند، بسیاری از تولیدکنندگان ایرانی، مثل قالی‌بافان تبریز یا سفالگران لاجین، نمی‌توانند محصولات‌شان را فراتر از بازارهای محلی عرضه کنند. گزارش UNESCO در سال ۲۰۲۴، پتانسیل پنج میلیارددلاری صنایع خلاق ایران را برجسته کرده، اما فقدان زیرساخت‌های دیجیتال این فرصت را محدود کرده است. چهارم، فرهنگ تمرکزگرایی است. در ذهن بسیاری از ایرانیان، موفقیت اقتصادی با مهاجرت به کلان‌شهرها گره خورده است. این باور که ریشه در شهرنشینی سریع دهه‌های اخیر دارد، استعدادهای محلی را از زادگاه‌شان دور کرده و شهرهای کوچک را از نیروی خلاق محروم کرده است. برای نمونه، جوانی در رامسر ممکن است به جای راه‌اندازی اقامتگاه بوم‌گردی به تهران مهاجرت کند، درحالی‌که منطقه‌اش پتانسیل گردشگری جهانی دارد.

چرا کسب‌وکارهای کوچک قلب اقتصادند؟

کسب‌وکارهای کوچک، فراتر از درآمد، هویت، امید و پیوند اجتماعی می‌آفرینند. در ایتالیا، تولیدات محلی مانند روغن زیتون

توسکانی یا سرامیک‌های اومبریا نه‌تنها اقتصاد مناطق را پویا کرده، بلکه به نمادهای فرهنگی جهانی بدل شده‌اند. هند نیز با حمایت از تعاونی‌های محلی، مانند تولید پارچه‌های دست‌بافت در کجرات، میلیون‌ها شغل ایجاد کرده است. گزارش‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی (OECD) در ۲۰۲۴ نشان می‌دهند که کسب‌وکارهای کوچک در کشورهای توسعه‌یافته تا ۶۵ درصد اشتغال و ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کنند. در ایران، این پتانسیل به‌فور یافت می‌شود. گلیم سیستان، خرمای بم، زعفران تربت یا چای لاهیجان تنها محصول نیستند؛ روایت‌هایی از فرهنگ و استقامت‌اند. وقتی یک بافنده در گنبد گلیم‌ش را در نمایشگاهی بین‌المللی می‌بیند، نه‌تنها درآمدش افزایش می‌یابد، بلکه غرور و اعتمادش به آینده تقویت می‌شود. این اعتماد، چنان‌که پیش‌تر بررسی شد (بازسازی اعتماد ملی، ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴)، بنیان اقتصاد پویاست. **روایت‌هایی از امید**

در بم، «حسن» باغداری است که با چند هکتار نخلستان، خرمایی تولید می‌کند که طعمش در بازارهای محلی زاینزد است. اما بدون دسترسی به بازارهای صادراتی، درآمدش کفاف گسترش کارش را نمی‌دهد. در رامسر، «مریم» اقامتگاهی بوم‌گردی راه‌اندازی کرده که گردشگران را به طبیعت خیره‌کننده مازندران می‌کشاند، اما کمبود سرمایه و دانش دیجیتال، او را در رقابت با کلان‌شهرها عقب نگه داشته است. در تبریز، «اکبر» قالی‌بافی است که طرح‌هایش می‌توانند با قالی‌های ترک و هندی رقابت کنند، اما بدون پلتفرم فروش آنلاین، مشتریان‌ش به بازار محلی محدودند. این داستان‌ها که در هر شهر ایران تکرار می‌شوند، نشان می‌دهند که مشکل، کمبود استعداد یا انگیزه نیست، بلکه نبود حمایت و زیرساخت است. اما با سیاست‌های درست، این داستان‌ها می‌توانند پایان‌هایی روشن داشته باشند.

چگونه اقتصاد محلی را احیا کنیم؟

برای برافروختن نبض اقتصاد محلی، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

سرمایه‌گذاری هدفمند و شفاف: دولت می‌تواند با تخصیص وام‌های کم‌بهره و معافیت‌های مالیاتی، کسب‌وکارهای محلی را تقویت کند. برای نمونه، اگر «حسن» در بم وامی ۵۰۰ میلیون‌تومانی برای بسته‌بندی مدرن خرما دریافت کند، می‌تواند به بازارهای خلیج فارس راه یابد. گزارش‌های بانک جهانی در ۲۰۲۴ نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری‌های هدفمند در کسب‌وکارهای کوچک، تا سه برابر بازگشت اقتصادی دارند.

فناوری در خدمت مردم: ابزارهایی مانند تلایار می‌توانند ترانکش‌های محلی را امن و شفاف کنند. تصور کنید «اکبر» در تبریز با تلایار، قالی‌اش را به خریداری در اروپا بفروشد؛ این نه‌تنها درآمدش را افزایش می‌دهد، بلکه اعتمادش به نظام مالی را تقویت می‌کند. پلتفرم‌های دیجیتال ایرانی، مشابه نمونه‌های موفق جهانی (مثل Flipkart در هند)، می‌توانند بازارهای محلی را به جهان وصل کنند.

تعاونی‌های محلی، نیروی جمعی: تعاونی‌ها می‌توانند منابع پراکنده را متمرکز کنند. در سیستان، تعاونی زنان گلیم‌باف می‌تواند هزینه‌های بازاریابی را کاهش دهد و سود بیشتری برای بافندگان به ارمیزان بیاورد. تجربه هند نشان می‌دهد که تعاونی‌های محلی تا ۴۰ درصد درآمد تولیدکنندگان را افزایش داده‌اند.

گردشگری، دریچهای به جهان: گردشگری محلی می‌تواند کسب‌وکارها را رونق دهد. جشنواره‌های خرما در بم، اقامتگاه‌های بوم‌گردی در رامسر یا تورهای صنایع دستی در یزد نه‌تنها درآمد ایجاد می‌کنند، بلکه فرهنگ ایران را جهانی می‌کنند. گزارش‌های وزارت میراث فرهنگی در ۱۴۰۳ از رشد ۲۲ درصدی گردشگری داخلی خبر می‌دهند، اما شهرهای کوچک هنوز سهمی اندک دارند. برندسازی جهانی: محصولات محلی ایران، از زعفران تا گلیم، نیاز به برندسازی دارند. برنامه‌ای مشابه «Made in Italy» می‌تواند «Made in Iran» را به نمادی جهانی بدل کند. برای نمونه، زعفران تربت حیدریه با بسته‌بندی حرفه‌ای و بازاریابی دیجیتال می‌تواند با زعفران اسپانیایی رقابت کند.

چالش‌های پیش‌رو

- تمرکزگرایی ریشه‌دار: سیاست‌های کلان‌شهرمحور، منابع را از شهرهای کوچک دور نگه داشته‌اند.
- بی‌اعتدای به طرح‌ها: کاسب‌های محلی ممکن است به سیاست‌های دولتی با تردید نگاه کنند که نیازمند شفافیت است.
- کمبود مهارت‌های دیجیتال: آموزش فناوری به اقشار محلی، به‌ویژه زنان و سالمندان، زمان‌بر است.
- تحریم‌ها: محدودیت‌های بین‌المللی، دسترسی به بازارهای جهانی را دشوار کرده‌اند.

راهکارهای عملی برای تحول

- آغاز کوچک: اجرای آزمایشی حمایت از هزار کسب‌وکار در شهرهای پوشهر، با ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه می‌تواند الگویی موفق باشد.
- آموزش در بازارها: کارگاه‌هایی در بازارهای محلی، مانند بازار گنبد برای آموزش دیجیتال و بازاریابی.
- شفافیت در تخصیص منابع: انتشار گزارش‌های عمومی از وام‌ها و نتایج آن‌ها در سایت بانک مرکزی.
- دپلم‌محلی اقتصاد: مذاکره برای کاهش موانع صادراتی محصولات محلی مانند زعفران و خرما.
- چشم‌انداز جهانی برای شهرهای کوچک**
- تصور کنید در رامسر، ۵۰۰ اقامتگاه بوم‌گردی با حمایت دولتی و پلتفرم دیجیتال، سالانه صد هزار گردشگر جذب کنند. این یعنی ۵۰ میلیارد تومان درآمد محلی و دو هزار شغل جدید. یا در تبریز، هزار قالی‌باف با دسترسی به بازارهای جهانی، سالانه ۲۰ میلیارد تومان به اقتصاد تزریق کنند. این مدل، اگر در شهرهای دیگر تکرار شود، ایران را به شبکه‌ای از اقتصادهای محلی پویا بدل می‌کند. ایتالیا با برندسازی محصولات محلی، ۱۵ درصد تولید ناخالصش را از شهرهای کوچک تأمین می‌کند. ایران نیز می‌تواند این مسیر را پییماید.

سخن پایانی

کسب‌وکارهای کوچک، نه‌فقط اقتصاد بلکه روح و هویت شهرهای ایران را زنده می‌کنند. دست‌های یبنه‌بسته‌ای که گلیم می‌بافند، باغ‌هایی که خرما می‌دهند و خانه‌هایی که مسافران را در آغوش می‌گیرند، داستان ایران‌اند. وقت آن است که این داستان‌ها را به گوش جهان برسانیم و نبض اقتصاد را در کوچه‌های شهر بجویم. به قول سعدی: «به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل / که گر مراد نیابم، به قدر وسع بگویشم». شاید این کوشش، مراد اقتصاد ایران را برآورد.



تعطیلی شهرک‌های صنعتی، خاموش‌کردن چند چراغ و مانند آن نمی‌تواند جای عرضه و تقاضای برق به‌عنوان یک کالا با قیمت واقعی را بگیرد. دولت‌ها به‌عنوان تصمیم‌سازان حوزه‌های مختلف، ازجمله تولید انرژی، باید سیاست‌های مشخص و ثابتی در این زمینه تدوین و اجرا کنند.

انبساط مصرف و افزایش ظرفیت تولید یا انقباض و مدیریت مصرف در قالب توزیع فقر انرژی؛ این دوراهی در برابر تصمیم‌ساز قرار دارد. سیاست انبساط مصرف در کنار افزایش ظرفیت تولید که انرژی را با قیمت واقعی در دسترس همه مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد، نتایجش را در کشورهای توسعه‌یافته می‌بینیم و سیاست‌های یارانه‌پرداز بر مصرف در کنار ناتوانی یا محدودیت‌های بخش دولتی در استفاده بهینه از سرمایه برای ساخت ظرفیت جدید نیروگاهی باعث شده هر سال با وجود اضافه‌شدن درصدی به تولید برق، دو سمت ماجرا کماکان تاتراز بمانند.

دراین‌میان صنایع بزرگ و راهبردی اگر نتوانند تداوم تولید و عرضه محصولات بالادستی و استراتژیک را تضمین کنند، با ادامه روند فعلی، بخش‌های میانی و پایین‌دستی دچار مشکلات بیشتری شده و تمام برنامه‌ریزی‌ها برای تکمیل زنجیره‌های تولید تا مصرف در کشور به همراه زیست‌بوم شکل‌گرفته در پیرامون آن، دچار تکانه‌های جدی خواهد شد. کمابینکه همین حالا هم در بسیاری از حوزه‌های میانی و پایین‌دست، نرخ استهلاک سرمایه از سرمایه‌گذاری پیشی گرفته و این همان زنگ خطری است که سیاست توزیع فقر انرژی به بار آورده است.

تصمیم‌ساز اگرچه نتوانست با تغییر سرعت به جایی برسد یا ظرفیت‌های تجدیدپذیر به جز مواردی مانند آفتاب شرق (نیروگاه خورشیدی فولاد مبارکه) هنوز تا بهره‌برداری فاصله زیادی دارند، تنها راه پیش‌روی خود را فعلا می‌تواند در سپردن تعمیر و ارتقای نیروگاه‌های فعلی به دست متخصصان و نخبان داخلی و تلاش برای تأمین قطعات مورد نیاز از هر راه ممکن پیدا کند.

همچنین تصمیم‌ساز در زمانی که به سیاست‌های خود، او، وضعیت انرژی و تولید در حوزه‌های بالادست ازجمله فولاد دچار تکانه‌های شدیدی شده، نباید با افزایش قیمت حامل‌های انرژی یا برق مصرفی بالادست، تک‌برم صنعت بیاشد، بلکه با در پیش گرفتن سیاست واقعی‌شنیدن قیمت‌ها و خدمات در همه سطوح، طی برنامه‌های میان‌مدت و فراهم‌کردن زمینه مشارکت سرمایه‌گذار، زمینه را برای سودآوری صنعت انرژی به‌ویژه در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم کند تا دیگر لازم نباشد هر روز با گزارش‌های غلط درباره مقایسه مصرف ایرانیان با دیگر کشورها، مصرف‌کننده انرژی را مواخذه و بازخواست کنند.

فی‌الواقع تصمیم‌ساز بهتر است مصرف بهینه را در پیش بگیرد و بگذارد جریان عرضه و تقاضا در حوزه انرژی نیز راه خود را پیدا کند.

تصورات غلط از ساختمان واقع برگسل

علی‌فاخر

عضویت علمی مرکز تحقیقات راه و شهرسازی

در سال‌های اخیر اخباری نگران‌کننده مثل صد برج تهران روی گسل فعال، ساخت ۱۶ بیمارستان جدید در تهران روی گسل، ساختمان آبروی بیرجند روی گسل فعال و... در رسانه‌ها به وفور دیده می‌شود، اما این داده‌ها چقدر دقیق است و آیا باید بابت چنین اخباری نگران شد؟ پیش از پرداختن به این موضوع باید مفهوم این عبارات را روشن کرد.

تصویر عامیانه از گسل و گسلش سطحی در واقع همان دهان بازکردن زمین در محل گسل و افتادن انسان‌ها و اشیاء در داخل شکاف گسل است. این تصاویر بسیار وحشتناک در اذهان عمومی شاید ناشی از برخی فیلم‌ها سینمایی مثل فیلم Earthquake است، اما باید گفت این تصاویر عامیانه نیاز به اصلاح دارد. گسل در سنگ بستر و معمولاً در عمق زیاد است، اگر در رسانه‌ای گفته شد ساختمانی روی گسل قرار دارد، ابتدا باید بررسی کرد آیا گسل موجود در سنگ بستر احتمال بروز در سطح زمین را دارد. برای مثال گفته می‌شود ضخامت آبرفت در شهر «سی سخت» چنان است که احتمال رسیدن گسل به سطح زمین یا گسلش سطحی منتفی است. بنابراین قرارگیری ساختمان‌ها روی گسل همواره به معنی مواجهه آنها با گسلش سطحی هنگام زلزله نیست.

نکته دیگر اینکه اگر یک متخصص ادعا کرد کسب ساختمان روی گسل است، این سخن حتی با فرض صحت به معنی آن نیست که آن ساختمان در معرض گسلش سطحی است. این نوع هشدارهای کارشناسانه از سر دلسوزی داده می‌شود و به معنی این است که زمین آن ساختمان باید مورد مطالعه قرار گیرد تا اثر آبرفت روی گسلش بررسی شود. محتمل است که آبرفت مانع رسیدن گسلش از سنگ بستر به سطح زمین و برخورد به ساختمان شود. در نهایت اینکه قراردآشتن ساختمان روی گسل یک عبارت عامیانه است و لزوما به معنی خطر گسلش سطحی نیست.

تأمین مالی ارزی ۲ میلیارددلاری ازطریق عرضه اوراق صکوک ارزی

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به برنامه این بانک برای تأمین مالی ۱۰ میلیارددلاری در سال جاری گفت: این برنامه شامل عرضه دو میلیارد دلار اوراق صکوک ارزی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، دو میلیارد دلار نیز از طریق سپرده‌گذاری ارزی بانک مرکزی در بانک‌ها، پیش‌فروش ارز که طرحی جدید است و در دستور کار قرار گرفته و بخش دیگری از تأمین مالی پروژه‌ها از طریق کشورهای عضو بریکس انجام می‌شود. به گزارش روابطعمومی بانک مرکزی، محمدرضا فرزین در مراسم انتشار اوراق صکوک مراحبه ارزی فولاد مبارکه با اشاره به نام‌گذاری سال جاری از طرف مقام معظم رهبری به‌عنوان سال سرمایه‌گذاری برای تولید، گفت: در این زمینه نوداهای تأمین‌کننده مالی، ازجمله بانک‌ها، صندوق توسعه ملی، بازار سرمایه و... نقش اساسی دارند. به همین دلیل سرمایه‌گذاری ارزی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار در برنامه بانک مرکزی قرار گرفته است.

او ادامه داد: از این میزان، دو میلیارد دلار از طریق عرضه اوراق صکوک ارزی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران انجام خواهد شد. دو میلیارد دلار نیز از طریق سپرده‌گذاری ارزی بانک مرکزی در بانک‌ها خواهد بود. همچنین بخشی نیز از طریق پیش‌فروش ارز است که طرحی جدید است و در دستور کار قرار گرفته و در بخش دیگر نیز تأمین مالی پروژه‌ها از طریق کشورهای عضو بریکس انجام می‌شود.

رئیس کل بانک مرکزی خاطرنشان کرد: تاکنون ۲۶۰ میلیون یورو از این اوراق به فروش رفته است. این اوراق، چهارساله، یورویی و با نرخ سود شش درصد هستند و برای پروژه‌های مهم و سودآور طراحی شده‌اند.